

مخالفت‌های داخلی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ چرا و چگونه؟

حسن زندیه^۱
علی قنواتی^۲

چکیده

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، در مهرماه ۱۳۵۰ش برگزار شد. یکی از اصلی‌ترین اهداف محمدرضا شاه از برگزاری این جشن‌ها، کسب مشروعیت برای حکومت خود بود؛ اما حکومت پهلوی در تحریک حس ناسیونالیستی مردم جهت شرکت گسترده در این جشن‌ها، با وجود تمام تبلیغات خود، تا حدود بسیاری ناکام و عاجز ماند و مردم حضور گسترده‌ای در جشن‌ها نداشتند. علاوه بر این، گروه‌های مختلفی با برگزاری این جشن‌ها به مخالفت علنی پرداختند. اینکه مخالفان برگزاری این جشن‌ها در داخل کشور شامل چه گروه‌هایی بودند و چرا به مخالفت علنی اقدام ورزیدند، مسئله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

باید گفت که «روحانیون» و در رأس آن‌ها امام خمینی ره، «دانشجویان» و در رأس آنان دانشجویان دانشگاه تهران، «گروه‌های چریکی» و «عده‌ای از مردم مبارز»، از جمله گروه‌هایی بودند که به صورت علنی با جشن‌ها به مخالفت پرداختند. چهار علت اصلی این مخالفت‌ها را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

علت اول: اسلام‌زدایی، از علل اصلی مخالفت روحانیون مذهبی با جشن‌ها بود.

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران: Zandiyehh@yahoo.com

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز: Ali.Gh19@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۱

علت دوم: وجود خفقان سیاسی و نبود آزادی‌های دموکراتیک در نظام شاهنشاهی. این در حالی است که محمدرضا شاه به عنوان رأس هرم قدرت در حکومت پهلوی، پیش از برگزاری جشن‌ها و نیز در سخنرانی خود به مناسبت افتتاح جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، بارها به رعایت حقوق بشر از سوی کوروش هخامنشی اشاره و تأکید کرده بود.

علت سوم: خارجی بودن تدارکات این جشن‌ها؛ تدارکاتی که در صد بسیار بالایی از آن توسط کشور فرانسه فراهم آمده بود.

علت چهارم: وضعیت نامطلوب مردم و جامعه ایران از لحاظ اقتصادی در مقایسه با هزینه‌های بسیار گزاف جشن‌ها.

واژگان کلیدی

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، روحانیون، امام خمینی رضی الله عنه، دانشجویان، محمدرضا شاه.

مقدمه

طرح برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، ابتدا در سال ۱۳۳۷ش از سوی شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی مطرح شد. در این تاریخ که تنها پنج سال از رویداد کودتای ۲۸ مرداد می‌گذشت، به واقع، شاه همچنان سستی و بی‌ثباتی حکومتش را در سال‌های نخست‌وزیری دکتر مصدق از یاد نبرده بود. از این رو، با طرح برگزاری جشن‌های شاهنشاهی موافقت کرد؛ به این امید که از این طریق بتواند به همگان یادآور شود که آیین و سنت شاهنشاهی، آیین همیشگی ایران زمین بوده و خواهد بود. به گمان او، تحقق این طرح می‌توانست تا حدود زیادی استحکام هرچه بیشتر حکومت را به دنبال داشته باشد.

با تصویب طرح برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی توسط محمدرضا شاه، تمامی وابستگان حکومت پهلوی در صدد انجام این طرح برآمدند. آن‌ها تمام تلاش خود را برای تحقق رؤیای شاهنشاه به کار گرفتند. نهادها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی و سایر ارگان‌های مربوطه، از دربار گرفته تا کوچک‌ترین عضو دولتی، در این کار به مشارکت و تلاش پرداختند و شوراهای مختلفی در این زمینه تشکیل شد. با وجود اینکه جشن‌های مذکور قرار بود در سال ۱۳۴۰ش برگزار شود، پس از چندین بار تعویق، سرانجام در سال ۱۳۵۰ش به اجرا درآمد و رؤیای شاه با دعوت از بسیاری از سران و رهبران کشورها محقق گردید.

حکومت پهلوی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، در پی رسیدن به اهداف مختلفی بود؛ یکی از اصلی‌ترین اهداف محمدرضا شاه از برگزاری این جشن‌ها، کسب مشروعیت برای حکومت خود بود؛ اما برخلاف انتظار حکومت، این جشن‌ها در رسیدن به این هدف موفقیت چندانی به دست نیاورد و گروه‌های چندی به مخالفت با آن اقدام ورزیدند. گاهی این مخالفت‌ها به صورت علنی نبود که این امر می‌تواند علل گوناگونی از جمله بیم و هراس از عواقب این کار داشته باشد؛ اما گروه‌هایی که به صورت علنی به ابراز مخالفت با برگزاری جشن‌ها اقدام ورزیدند، قطعاً از اهمیت بیشتری نیز برخوردار بودند. این مقاله، در پی بررسی این نوع مخالفت‌هاست. بنابراین، به چگونگی حضور مردم در این جشن‌ها و رویکرد گروه‌های مخالف در باب آن می‌پردازد. سپس، به علل و عوامل تأثیرگذار و چرایی مخالفت‌های این گروه‌ها در قبال مسئله جشن‌های ۲۵۰۰ ساله خواهد پرداخت.

۱. حضور کم‌رنگ مردم در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

ایرانیان از قدیم‌الایام به صفت برازنده میهمان‌نوازی آراسته شده‌اند. این موضوع را می‌توان به‌آسانی و با مطالعه سفرنامه‌های سیاحان خارجی که از گذشته‌های دور تا به امروز از ایران دیدن کرده‌اند، دریافت. مردم ایران دوره پهلوی نیز توسط خارجی‌ها میهمان‌نواز معرفی شده‌اند؛ برای مثال، «ئه ایچی اینووه»^۱ ژاپنی در کتاب خاطرت خود می‌نویسد:

ایرانی، آداب‌دان است و آداب‌دوست و مهمان را با مهربانی پذیرا می‌شود. ایرانیان به میهمان نوازی مشهورند. (اینووه، ۱۳۸۳: ص ۲۸۹)

ویپرت فون بلوشر^۲ نیز در سفرنامه خود می‌نویسد:

هنگامی که در چین مسافرت در این کشور (ایران)، در خانه شخصی کسی فرود آییم، به مهمان‌نوازان‌ترین طرزى مورد پذیرایی قرار می‌گیریم. (فون بلوشر، ۱۳۶۳: ص ۳۰۸)

با توجه به این روحیه میهمان‌نوازی، حضور مردم در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی می‌توانست به‌شدت بر جذابیت آن بیفزاید.

از دیدگاه محمدرضا شاه، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی فقط سلطنتی یا دولتی نبود؛ بلکه جشن‌هایی ملی به حساب می‌آمد که متعلق به یکایک مردم کشور می‌شد. (مجله بررسی‌های

^۱. Eiji Inoue.

^۲. Wipert Blucher.

تاریخی، ص ۱۳؛ مجله خواندنی‌ها، ش ۳، ص ۳۳) اما این عقیده چقدر توانست در عمل به واقعیت تبدیل شود؟ کوشش زیادی صورت گرفت تا مردم را وادار به شرکت در این جشن‌ها کنند؛ البته در همان روستا، قریه، بخش، شهر و محل زندگی خودشان؛ وگرنه مردم نمی‌بایست در شعاعی چندین کیلومتری تخت جمشید حضور می‌یافتند!

برای جلب توجه مردم به جشن‌ها، سپاه دانش و سایر نیروهای حکومت به صورت پیوسته به تبلیغات گسترده دست می‌زدند. (روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، ش ۵۷، ص ۸؛ روزنامه ندای ایران نوین، ش ۱۶۰۸، ص ۷) اما با وجود این، می‌توان گفت که مردم حضور کم‌رنگی در این جشن‌ها داشتند؛ به گونه‌ای که انتظارات حکومت نیز در این باب برآورده نشد؛ به‌ویژه در باب مراسم جشن در تخت جمشید و پاسارگاد که به قول منابع، می‌توان به قطعیت گفت که «مردم اصلاً در آن‌جا حضور نداشتند.» (هویدا، ۱۳۶۵: ص ۱۱۹؛ پاکروان، ۱۳۷۸: ص ۱۸؛ نجاتی، ۱۳۷۱: ص ۳۵۰)

ماروین زونیس،^۳ معتقد است که شاه قصد نداشت این جشن‌ها را برای مردم ایران برگزار کند؛ بلکه نظرش معطوف به رهبران کشورهای خارجی بود. مهمانان شاه، آن‌ها بودند و مردم ایران به این جشن دعوت نشده بودند. اصولاً در نظر او، رهبران خارجی به واقع بیش از مردم خودش اهمیت داشتند و برای وی معامله با رؤسای دول خارجی، راحت‌تر از سیروس‌سلوک با ایرانیان بود. (زونیس، ۱۳۷۰: ص ۱۲۳-۱۲۴) ویلیام شوکراس^۴ نیز جشن‌های شاهنشاهی را پیروزی ملت ایران ندانسته است؛ بلکه این رویداد را سرود پیروزی خانواده پهلوی قلمداد می‌کند. (شوکراس، ۱۳۷۴: ص ۴۸) از دیدگاه مارتین واکر،^۵ یکی از نکات غم‌انگیز مراسم برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، این بود که نیاز به اقدامات شدید امنیتی، بسیاری از جاذبه‌های مردمی آن را از بین برده بود. (واکر، ۱۳۷۲: ص ۳۸۸) از دیدگاه مینو صمیمی نیز شاه و فرح تلاش‌های بسیاری برای ایجاد هویت جدید فرهنگی و رواج فرهنگ غربی انجام می‌دادند؛ ولی توده مردم راه خود را می‌رفتند و در دنیایی دیگر، به کلی مجزا از دنیای شاه و شهبانو به سر می‌بردند. (صمیمی، [بی‌تا]: ص ۱۹۰) به واقع نیز چنین بود و مردم رغبت چندانی برای شرکت در جشن‌ها از خود نشان ندادند و حکومت در تحریک حس ناسیونالیستی آنان ناکام ماند.

^۳. Marvin Zonis.

^۴. William Shawcross.

^۵. Martin Walker.

۲. گروه‌های معترض و اقدامات آن‌ها

۲-۱. روحانیون

روحانیون انقلابی ایران به افشای اهداف برگزاری جشن‌ها دست زدند و با تکیه بر مخارج سرسام‌آور جشن‌ها و اهداف ضدّ دینی آن، مردم را روشن نمودند. در سندی در باره روحانیون و نحوه برخورد آن‌ها با جشن‌ها، به سه گروه روحانی اشاره می‌شود:

الف. روحانیونی که در مخالفت با انجام جشن‌ها صراحت رویه دارند؛ مثل آیت‌الله گلپایگانی در قم و آیت‌الله قمی در مشهد؛ ب. روحانیون میانه‌رو که در رأس آن‌ها آیت‌الله خوانساری در تهران و آیت‌الله مرعشی در قم می‌باشند؛ پ. روحانیون موافق، از جمله آیت‌الله شریعتمداری در قم، میلانی و کفایی در مشهد. (بزم اهریمن، ۱۳۷۷: ج ۱، ضمائیم ۳۶)

باید توجه داشت که در اواخر دهه چهل شمسی، گروهی از روحانیون نیز مانند آیت‌الله خویی و آیت‌الله دستغیب، از سیاست و مظاهر مربوط به آن دوری می‌گزیدند. (Kamrava, 1990: p.80) البته این تقسیم‌بندی، مربوط به روحانیون داخل کشور است. مخالفت اصلی از طرف روحانی بزرگ زمان، آیت‌الله خمینی ره آشکار شد. افراط در تبلیغات و هزینه‌های مربوط به جشن‌های شاهنشاهی از یک سو، فقر و مصیبت مردم از سوی دیگر و نیز غرب‌گرایی و اسلام‌زدایی این جشن‌ها را می‌توان از علل مخالفت امام خمینی ره با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی عنوان کرد. در ذیلف گزیده‌ای از متن سخنرانی آیت‌الله خمینی ره که در اوّل تیرماه ۱۳۵۰ ش در مسجد شیخ انصاری نجف بیان شده است، آورده می‌شود:

... اطراف مملکت ایران در این مصیبت [قحطی و گرسنگی] گرفتار هستند و میلیون‌ها تومان خرج جشن‌های شاهنشاهی می‌شود... کارشناس‌های اسرائیل برای این تشریفات دعوت شده‌اند... شاهنشاهی ایران از اوّلی که زاییده شده است تا حالا، روی تاریخ را سیاه کرده است. برج از سر درست می‌کردند... جشن برای او باید گرفت که در پناه او مسلمین راحت‌اند... نه کسی که اگر یک دفعه یک شعاری برخلاف هوای نفس او داده بشود، بفرستد بریزند در دانشگاه. آقا نوشته‌اند که دخترها را این قدر زده‌اند که پستان‌های این‌ها محتاج به جراحی است... چرا؟ اینکه شعار دادند که ما جشن دوهزاروپانصد ساله را نمی‌خواهیم؛ ما گرسنه هستیم؛ گرسنگی مسلمان‌ها را رفع کنید؛ جشن نگیرید... این مقدار خرجی که برای این امور می‌خواهی بکنی، خرج این ملت بیچاره گرسنه کن؛ ... به قرآن جسارت کردند. ما برای این‌ها باید جشن بگیریم؟ جشنی برای ما

نمانده. برای ملت ایران چه جشنی مانده؟ ملت ایران موظف است که با این جشن مبارزه منفی بکند، مثبت نه؛ لازم نیست... (کوثر (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی)، ۱۳۷۱: ص ۲۳۷-۲۴۷) آیت‌الله خمینی جشن‌ها را «جشنواره نامشروع» نامید. (Algar, p.9) سخنان او، بازتاب گسترده‌ای داشت و به دنبال سخنرانی ایشان، بی‌درنگ از سوی علما و روحانیون حوزه نجف مانند روحانیون: اراک، اصفهان، بروجرد، تهران، بجنورد، خمین، خراسان، زنجان، سبزوار، سمنان، شیراز، قزوین، قوچان، قم، کاشان، کرمان، گلپایگان، گیلان، مازندران، نایین، همایون‌شهر، همدان و یزد، و نیز از طرف روحانیون دیگر کشورها، مانند: بلخ افغانستان، بامیان افغانستان، پیشاور پاکستان، غزنین افغانستان، سلطان‌پور هندوستان، فیض‌آباد هندوستان، کابل، لبنان و موصل، سیل تلگراف اعتراض به برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و اظهار تنفر و انزجار از آن، به سوی ایران سرازیر شد. (روحانی، ۱۳۷۲: ص ۵۵۰-۵۵۱)

سیدعبدالله شیرازی که در این برهه در نجف می‌زیست، طی پیامی شدیدالحن با ذکر مشکلات اقتصادی کشور، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را «عداوت به اسلام و ترویج عقیده باطله آتش‌پرستی و زرتشتی‌گری و تأیید خرافات» دانست و متذکر شد که در این جشن‌های منحوس، از بودجه مملکت اسلام چه مبالغ هنگفتی صرف هرزگی، هوس‌رانی، قماربازی، شراب‌خوری، ترویج فساد و بی‌عفتی و بی‌حجابی زنان و دختران ایرانی و هزاران منکرات شرع مقدس خواهد شد. (فوزی، ۱۳۷۹: ص ۱۶۵)

اسناد باقیمانده از آن دوران، نشان می‌دهد که انتقاد از جشن‌ها در مراسم روضه‌خوانی نیز توسط وعاظ صورت می‌پذیرفت. (بزم اهریمن، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۲۰۵، ۲۰۸ و ۲۲۵) به طور کلی، می‌توان گفت که عده زیادی از روحانیون که در رأس آن‌ها آیت‌الله خمینی قرار داشت، به شدت به مبارزه با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پرداختند و یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف را تشکیل دادند؛ زیرا تحریم جشن‌ها از سوی امام خمینی (ره) نمی‌توانست در جامعه مذهبی ایران بی‌تأثیر باشد؛ بلکه بسیار تأثیرگذار بود و در عدم شرکت و یا شرکت کم‌رنگ مردم در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، نقش پررنگی ایفا نمود.

۲-۲. دانشجویان

یکی از گروه‌هایی که نقش غیرقابل انکاری در تاریخ معاصر کشور ما دارند، دانشجویان می‌باشند. فعالیت‌های این قشر در مبارزه با حکومت پهلوی، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲، به شکلی مشخص‌تر نمودار شد. حکومت پهلوی بارها و بارها به دانشگاه‌ها هجوم برده و مبارزات دانشجویان را با گلوله و خشونت سرکوب می‌کرد؛ ولی صدای دانشجویان هیچ‌گاه خفه نمی‌شد و مبارزات آنان با دلیری ادامه پیدا می‌کرد. آیت‌الله خمینی نیز به عنوان بزرگ‌ترین عالم روحانی زمان خویش، مبارزات دانشجویان و آگاهی آنان را الگویی برای علمایی دانست که از بیم و هراس، در خواب و سکوت خویش گرفتار بودند. (کوثر) مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی، (۱۳۷۱: ص ۲۴۷) حکومت پهلوی نیز به اهمیت قشر دانشجو واقف بود و همواره سعی می‌کرد تا دانشجویان را با اهداف و آرمان‌های خود هماهنگ و همراه سازد.

مدت‌ها قبل از اجرای مراسم اصلی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، در سطح دانشگاه‌های ایران، شوراهای مخصوص جشن‌ها فعالیت داشتند که وظایف این شوراهای و کمیته‌های اجرایی آن، عبارت بود از: برگزاری جلسات ماهانه، ترتیب سخنرانی، تئاتر و نمایش متناسب با موضوع جشن بنیاد شاهنشاهی و نیز اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی. این شوراهای تحت نظارت رئیس دانشگاه فعالیت می‌کردند. (ماکوئی، ۱۳۷۹: ص ۳۸-۳۹) در سطح مدارس نیز برای مثال، در استان فارس، علاوه بر تشکیل شوراهای دبیرخانه مرکزی با همکاری وزارت فرهنگ، برنامه خاصی برای آموزگاران و دبیران تاریخ و جغرافیای مدارس کل کشور تنظیم کرده بود و نشریات و بولتن‌ها توسط دانش‌آموزان مدارس تهیه می‌شد. (مرکز اسناد ملی، ش بازیابی ۱۲/۱/۲۰۰۴، ص ۱۳۵۰، ۱۶۸ برگ) با وجود این، حکومت پهلوی با نوعی ترس و هراس به محوطه‌های دانشگاه‌ها و به‌ویژه دانشگاه‌های بزرگ می‌نگریست.

نگرانی حکومت پهلوی، بیهوده نبود. در یازده اردیبهشت ۱۳۵۰ دانشجویان دانشگاه تهران علیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دست به تظاهرات زدند. پلیس با حمله به دانشجویان، حدود ۲۰۰ نفر را دستگیر کرد. دانشجویان دانشگاه صنعتی و دانشجویان هنر سرای عالی نارمک هم به تظاهراتی علیه حکومت اقدام ورزیدند. در اواخر مهرماه ۱۳۵۰، دانشکده فنی دانشگاه تبریز به دنبال دو هفته اعتصاب و تحصن دانشجویان، تعطیل گردید. (شیرودی، ۱۳۸۴: ص ۳۲) در شیراز نیز حدود دویست تن از دانشجویان را گرفته بودند. (بهنود، ۱۳۶۶: ص ۵۶۶) یکی از اسناد باقیمانده نیز از زبان ساواک، ضمن اشاره به بازداشت‌شدن ۲۸۰ نفر، تأکید می‌کند که تعدادی از بازداشت‌شدگان علاوه بر مخالفت با برگزاری مراسم جشن، در هدف‌های براندازی نیز فعالیت داشته‌اند و دانشگاه تهران، دانشسرای عالی و دانشکده پلی تکنیک، از مراکز فعالیت دانشجویان محسوب شده و در مراکز مزبور، شعارهایی نیز علیه جشن‌ها در تظاهرات عنوان و بر

دیوارها نوشته شده است. این سند، تصریح می‌کند که شعار «در حالی که میلیون‌ها تومان صرف جشن‌ها می‌شود، در سیستان و بلوچستان مردم از گرسنگی می‌میرند»، ترجیح‌بند مخالفت‌خوانی‌های دانشجویان مزبور است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۲۸۵، کد پرونده: ۱۷-۱۲۰۸۱، ص ۲۵)

حکومت پهلوی در روزهای نزدیک به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی اعلام کرد که مدارس و دانشگاه‌ها از تاریخ ۱۹ تا ۲۶ مهرماه ۱۳۵۰ تعطیل خواهد بود. (فراتی، [بی‌تا]: ص ۱۶۹؛ روزنامه آیندگان، ش ۱۱۵۱، ص ۱) این در حالی بود که ادارات دولتی، فقط یک روز تعطیل اعلام شدند. در واقع، دولت برای جلوگیری از اعتراضات جمعی دانشجویان، به این کار اقدام ورزید. در این بین، دانشگاه اصفهان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را با شکوه بی‌نظیری آغاز کرد. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۶۲۱، ص ۵۵) شایان ذکر است که با بررسی روزنامه‌ها و نشریات آن دوره، خبر یا گزارش دیگری مبنی بر برگزاری جشن‌ها در دیگر دانشگاه‌های کشور یافت نشد!

به هر حال، این مطلب روزنامه اطلاعات، نشان می‌دهد که در بین دانشجویان نیز طرفداران برگزاری جشن‌ها وجود داشته‌اند و این، طبیعی است؛ همچنان‌که در بین قشر روحانی نیز به همین ترتیب بوده است؛ ولی در باره دانشگاهیان نیز با توجه به اسناد و گزارش‌های باقیمانده که حکایت از دستگیری، بازداشت و محبوس شدن آن‌ها دارند، می‌توان به بزرگی مقیاس مخالفت دانشجویان با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی پی برد. خود دولت نیز واقع‌بینانه به مسئله دانشجویان نگاه کرده بود؛ وگرنه حکم تعطیلی هشت روزه دانشگاه‌ها را صادر نمی‌نمود.

۲-۳. گروه‌های چریکی

فکر تشکیل گروه‌های چریکی در تاریخ معاصر ایران را می‌توان به پس از سرکوبی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ توسط حکومت پهلوی نسبت داد. در واقع، پس از این جریان بود که بسیاری از آن‌هایی که تا آن زمان فکر می‌کردند می‌توان با مبارزات سیاسی - مدنی به اصلاحاتی اساسی در حکومت رسید، از فکر خود ناامید شده و با مشاهده اوج گرفتن میزان سرکوب‌ها توسط حکومت، به فکر مبارزه مسلحانه افتادند. اولین مبارزه مسلحانه آشکار گروه‌های چریکی، در بهمن ۱۳۴۹، یعنی چندماه قبل از آغاز جشن‌های شاهنشاهی و در منطقه «سیاهکل» رخ داد. (نجاتی، ۱۳۷۱: ص ۳۹۰)

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، می‌توانست فرصتی مغتنم برای ادامه فعالیت‌های چریکی از سوی گروه‌های مختلف باشد. سازمان مجاهدین خلق، بعد از توافق بر انجام عملیات نظامی و تبلیغ نظریه جنگ چریکی در شهر، در مرداد ۱۳۵۰ سرگرم تدارک حمله به تأسیسات حیاتی حکومت هم‌زمان با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی شد؛ ولی لو رفتند و بیشتر اعضای آن در شهریورماه ۱۳۵۰ بدون کوچک‌ترین درگیری و خونریزی دستگیر شدند. (علوی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۲) ساواک در این زمینه خوب عمل کرد و توانست با گماردن افراد نفوذی در بین آن‌ها، به موفقیت‌های بسیاری در باب دستگیری چریک‌ها نایل آید.

از سوی ساواک، کلیه احزاب و دستجات سیاسی مخالف، از سه ماه قبل از شروع جشن‌ها تا پایان مراسم به‌شدت مورد مراقبت قرار داشتند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازبایی: ۲۷۱، کد پرونده: ۱۲۰۸۱-۳، ص ۱) مقررات حفاظتی، حتی در باب خارجیان (غیر ایرانی‌ها) نیز صورت می‌پذیرفت. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازبایی: ۴۸۱۹، کد پرونده: ۱-۴۸۱۹، ص ۴۹-۶۰) با وجود این، در شهرستان دزفول واقع در استان خوزستان، گروهی به نام «جبهه اسلامی دفاع» شکل گرفته بود و از آن‌جا که مسئول گروه، فردی به نام «سبحانی» بود، گروه را «گروه سبحانی» نیز می‌خواندند. به نقل از حمید صفری، یکی از اعضای این گروه، جشن‌های شاهنشاهی در دزفول نیز مانند سایر شهرها به مدت یک هفته یا ده روز برگزار شد. گروه تصمیم گرفت که جشن‌ها برگزار نشود. از این‌رو، چهار عملیات در چهار محل، شامل: دو سینما، تنها مشروب‌فروشی دزفول به نام «مشروب‌فروشی احمد شوله» و مقر یونسکو در جنوب شهر برای انفجار بررسی شد. گروه، این مکان‌ها را سبب ترویج فساد و بدمستی و نیز ارتباط با آمریکایی‌ها و بیگانگانی که علیه اسلام فعالیت می‌کردند، می‌دانست. (درکتانیان، ۱۳۷۸: ص ۱۴۷) گفتنی است که در باره میزان موفقیت این گروه در عملیات خود، سندی یافت نشد. به هر حال، حکومت پهلوی با وجود انواع و اقسام شگردهای امنیتی، همچنان از فعالیت‌های چریک‌ها وحشت داشت. برخی از اسناد به‌جای‌مانده نیز به امکان انجام اقدامات خرابکارانه حین برگزاری جشن‌ها خبر می‌دهند. طبق یکی از این اسناد، ایرانیان مقیم آلمان در روزهای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، در نظر داشتند به ایران آمده و دست به خرابکاری بزنند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۰/۳/۱۶: ص ۱۶۳) در سند دیگری، ساواک گزارش می‌دهد که یکی از روزنامه‌های چاپ فرانسه، مقاله‌ای تحت عنوان «دامنه‌های خشونت در ایران افزایش می‌یابد» منتشر نموده و متذکر شده است که مخالفان می‌خواهند در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

خرابکاری نمایند و اقدامات خرابکاری در این جشن‌ها، به طرق مختلف از قبیل: ایجاد ناامنی، سوء قصد، ایجاد حریق و غیره عملی خواهد شد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۰/۳/۱: ص ۸۵) به طور کلی، باید گفت که هرچند گروه‌های چریکی در صدد اقدامات خرابکارانه برآمدند، اما با توجه به وجود سیستم‌های امنیتی گسترده، به‌ویژه در شیراز و تهران که دو مرکز ثقل برگزاری جشن‌ها بودند، نتوانستند آن‌گونه که باید و شاید، صدمات جدی به تأسیسات و یا میهمانان وارد آورند.

۲-۴. رویکردهای اعتراضی و بی‌تفاوتی مردم

گروه مهم‌تر و تأثیرگذارتر، عامه مردم بودند. نوع برخورد آن‌ها با جشن‌ها، بسیار مهم می‌بود. حکومت پهلوی دوست می‌داشت مردم را به برگزاری جشن‌ها در شهرستان‌های خودشان وادارد؛ اما در صورتی که در این کار ناکام می‌ماند، در پی این بود که لاقلاً مردم از اقدامات خرابکارانه علیه جشن‌ها خودداری ورزند و حالتی بی‌طرف به خود بگیرند. در باره طبقه عامه مردم می‌توان گفت که آنان برای عدم امکان واکنش جدی، بی‌تفاوت از کنار این جریان گذشته و به آن بی‌اعتنایی کردند و با این اقدام خود، سردمداران حکومت پهلوی را مأیوس نمودند. (بزم اهریمن، ۱۳۷۷: ج ۱، مقدمه، ص ۳۶) قطعاً در بی‌اعتنایی مردم به جشن‌ها، نباید نقش مهم سخنرانی امام خمینی رضی الله عنه در باب وجوب تحریم این جشن‌ها از سوی ملت ایران را نادیده گرفت.

در برخی از اسناد، به مخالفت مردم با برگزاری جشن‌ها اشاره شده است. طبق یکی از این اسناد، دو نفر ناشناس داخل تاکسی ضمن بحث در مورد جشن‌ها می‌گویند که مردم همه چیز را می‌دانند؛ ولی جرئت عرض اندام ندارند؛ مثلاً می‌دانند برای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، شصت هزار تومان پول جهت تهیه ریش مصنوعی هزینه شده است و می‌دانند این پول‌ها، خون ملت است که با آمپول به‌آسانی از رگ‌هایشان می‌گیرند. از دیدگاه این دو نفر ناشناس، حکومت پهلوی و وابستگان به آن، بهتر است بروند وضع مردم دهات را ببینند؛ زیرا هنوز عده‌ای نه آب دارند و نه نان و زندگی. برخی از افراد نیز معتقد بودند که مخارج کمرشکن جشن‌های شاهنشاهی، سبب گرانی ارزاق شده است. این گرانی‌ها نیز اسباب نارضایتی مردم از جشن‌ها را به دنبال می‌داشت. (بزم اهریمن، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۸۵ و ۳۹۵)

سید حمید روحانی در کتاب خود، موضع‌گیری‌های مردمی بر ضد جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در قالب هفت عنوان بررسی می‌کند: ۱. مخالفت‌های آشکار؛ ۲. انتقادهای پنهان؛

۳. اعلامیه پراکنی و شعارنویسی؛ ۴. شعرسرایی؛ ۵. برخورد قهرآمیز؛ ۶. عدم همکاری؛ ۷. شایعه پراکنی. مثلاً در باب شایعه پراکنی، شایعه می‌کردند که در هنگام برگزاری جشن، جوانان در بازار تهران پیراهن سیاه خواهند پوشید و به اصطلاح، عزاداری خواهند کرد. سروده حسین رحمتی در انتقاد از جشن‌ها نیز جالب توجه است. (روحانی، ۱۳۷۲: ص ۵۶۶-۵۸۶)

در باب انتقادهای پنهان و عدم همکاری مردم در قبال مسئله جشن‌ها، پیش از این اشاراتی شد. در واقع، می‌توان گفت که وجه غالب موضع‌گیری‌های مردمی بر ضد جشن‌ها را انتقادهای پنهان و عدم همکاری مردم در برگزاری آن تشکیل می‌داد؛ چراکه در باب مخالفت آشکار و یا برخورد قهرآمیز با برگزاری جشن‌ها، سند خاصی یافت نشد. اینکه جشن‌ها در غالب موارد، بدون مشکل خاصی برگزار گردید - البته این امر، خود منوط به برقراری امنیت کامل از سوی نیروهای امنیتی بود - نشان می‌دهد که برخورد قهرآمیز و مخالفت آشکارا با برگزاری جشن‌ها، نمی‌تواند وجه غالب موضع‌گیری‌های مردمی بر ضد جشن‌ها باشد.

۳. علل و اسباب اعتراض و مخالفت گروه‌های معترض

۱-۳. اسلام‌زدایی جشن‌های شاهنشاهی

اسلام‌زدایی جشن‌ها، یکی از علل مخالفت گروه‌های معترض، به‌ویژه روحانیون و اқشار مذهبی جامعه بود؛ چنان‌که در متن سخنان آیت‌الله شیرازی و امام خمینی تقدیر به آن اشاره شد. در واقع، روحانیون و به تبع آن‌ها جامعه مذهبی ایران، این‌گونه مراسم‌ها را برنمی‌تابیدند و آن را بزرگ جلوه دادن ایران باستان و مظاهر آن در برابر ایران دوره اسلامی می‌دانستند. بی‌حجابی‌ها و شرابخوری‌ها و اعمال منافی عفت در جریان برگزاری مراسم نیز آن‌ها را بر عقیده خود مصمم‌تر می‌نمود.

۲-۳. خفقان سیاسی و نبود آزادی

بی‌تردید، یکی از علل مهم اعتراض به برگزاری جشن‌ها را می‌توان به خفقان سیاسی موجود در آن دوره مربوط دانست. این موضوع، مورد توجه همه گروه‌های معترض بود. سانسور شدیدی در دوره محمدرضا شاه حاکم بود. امیرعباس هویدا، شخصاً به وجود سانسور در دولتش اشاره کرده است. وی تصریح می‌کرد که: «بله، کتاب را سانسور می‌کنیم و احتیاجی هم به پرده‌پوشی نداریم؛ چون مصالح مملکت و نظام شاهنشاهی برای ما، فوق همه چیز است.» (سمیعی، ۱۳۷۲:

ص ۱۵۲-۱۵۳) از دیدگاه هویدا، در این کشور آزادی بیان و قلم به همه کس داده شده؛ ولی هرگز آزادی خیانت به کسی داده نخواهد شد. (روزنامه تاریخ شاهنشاهی ایران، ش ۲۳۵، ص ۹۳۷) در مورد سانسور کتاب در عصر پهلوی، به پنج نوع سانسور اشاره شده است؛ طبق آمار ارائه شده، سانسور سیاسی - اجتماعی ۴۰ درصد، سانسور نگارشی - ادبی ۲۳ درصد، سانسور اخلاقی ۱۵ درصد، سانسور دینی ۱۵ درصد و سانسور علمی ۷ درصد کل سانسورها را به خود اختصاص داده‌اند. (خسروی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۱-۲۰۰) در مورد زندانیان سیاسی نیز شاه چنین می‌گفت: «تعداد زندانیان سیاسی، دقیقاً به تعداد خائنین است؛ نه کمتر و نه بیشتر!» (بیل، ۱۳۷۱: ص ۳۲۲-۳۲۳) دانشجویان و گروه‌های چریکی و دیگر مخالفان حکومت، این سانسورها و بازداشت‌های سیاسی را بر نمی‌تابیدند و نمی‌توانستند ببینند که در این فضای خفقان، حکومت برای پایداری هرچه بیشتر خود بر طبل شادمانی می‌زند و سرود پیروزی می‌خواند. بنابراین، شکستن صدای سکوت خود را واجب دانستند و با صدایی رسا فریاد اعتراض به آسمان رها کردند و به فعالیت‌های مخالفت‌آمیز خویش افزودند.

۳-۳. تدارکات خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

یکی دیگر از علل مهمی که سبب اعتراض به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی می‌شد، این بود که بیشتر تدارکات این جشن‌ها را کشورهای خارجی، به‌ویژه فرانسه تهیه کرده بود. از دیدگاه ماروین زونیس، کلیه فعالیت‌های تدارکاتی این جشن، به خارجیان سپرده شده بود. جبهه‌ها، لباس‌ها و یونیفورم‌هایی که خانواده سلطنتی ایران، گاردهای مراسم، خدمتکاران و هزاران شرکت‌کننده در پرده‌های مختلف نمایش تاریخ ایران می‌پوشیدند، جملگی در خیاطخانه‌های فرانسه دوخته شده بود. اغذیه و اشربه درخور میهمانان عالی‌قدر - به استثنای خاویار ایرانی - در آشپزخانه‌های فرانسه تهیه شده، با هواپیما به ایران آورده می‌شد. چادرهای ابریشمی که برای اقامت میهمانان در کنار خرابه‌های تخت‌جمشید برپا شده بود، در فرانسه بافته و دوخته شده بود. (زونیس، ۱۳۷۰: ص ۱۲۴) حتی تعداد ۲۰۰۰ اسب از مجارستان جهت اجرای برنامه‌های جشن‌ها خریداری شد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۰/۲/۲۰: ص ۸۶)

فرش ایرانی، از قدیم الایام جزء افتخارات هنری ایران زمین به شمار می‌رفته و می‌رود. با وجود این، تمامی فرش‌های مورد نیاز مراسم جشن، به فرانسه سفارش داده شده بود. از سوی دیگر، شهر شیراز به عنوان شهر «گل و بلبل» در بین ما ایرانی‌ها شهرت بسیاری دارد؛ اما

برگزارکنندگان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، بدون توجه به این نکته، به وارد کردن گل از کشورهای اروپایی دست زدند. آن‌ها علاوه بر هلند، «از ایتالیا نیز گل‌هایی وارد کردند.» (Macdonald, 2011: p.1) خُلد، شراب معروف شیراز که کارشناسان ارزش زیادی برای آن قائل‌اند، کنار گذارده شده و در عوض بیست‌وپنج هزار بطری شراب و یک میلیون شیشه شراب تقطیرشده وارد شده بود. منتقدان می‌پرسیدند که اگر هدف از برگزاری جشن‌ها، ستایش از ایران است، چرا شاه همه چیز را از اروپا وارد کرده است؟ (رفیع‌زاده، ۱۳۷۶: ص ۲۳۱) حضور پُررنگ فرانسه در باب تهیه تدارکات و ملزومات برگزاری جشن‌ها، به اندازه‌ای بود که به نقل از روزنامه‌های فرانسوی، در صورتی که همه چیز از مبلمان، البسه، وسایل آرایش، چلچراغ و غذا و مشروب از فرانسه به ایران می‌رود، بهتر نبود که یک کروکی پرسپولیس را در نقطه‌ای از پاریس، مثلاً جنگل «ونسن»^۶ قرار دهند و جشن‌ها را به مراتب کم‌خرج‌تر در آن‌جا برپا دارند؟ (دولت‌شاه فیروز، ۱۹۹۰: ص ۴۷۶-۴۷۷)

برخی‌ها اعتقاد داشتند درست است که همه تدارکات فرنگی بود، اما باید این را در نظر بگیریم که آیا بضاعت کافی را برای انجام چنین مراسمی داشتیم؟ پاسخ این سؤال را دانشجویی در دانشگاه شیراز در همان روزهای پس از برگزاری جشن‌ها، به بهترین نحو بیان کرده است. این دانشجو تصریح می‌کند که سؤال همین جاست؛ ما بضاعت برپایی چنین مراسمی را نداریم. پس، چه ضرورتی است که دیگران برای ما انجام دهند؟ «این، نوعی تحقیر ملی است؛ نه ایجاد غرور ملی.» یک ایرانی وقتی می‌شنود قرار است غذا از پاریس بیاید، زین و شال و کلاه و ریش و سبیل از لندن، کارد و چنگال و بشقاب از آلمان و دیگر چیزها از جاهای مختلف، بیشتر سرافکننده می‌شود. اگر قرار بود به آنچه که شما می‌گویید (غرور ملی) برسیم، باید با بضاعت خودمان مراسم برگزار می‌کردیم. (ماکوئی، ۱۳۷۹: ص ۶۷)

۴-۳. عدم تناسب وضعیت اقتصادی مردم کشور با هزینه‌های گزاف جشن‌ها

یکی از علل دیگر مخالفت با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را باید در هزینه‌های سرسام‌آور این جشن‌ها مشاهده کرد. از سویی دیگر نیز مقایسه این هزینه‌های گسترده، با وضعیت اقتصادی توده مردم ایران در آن زمان، سبب روشن‌تر شدن چرایی مخالفت با جشن‌ها می‌شود. باید دانست که فکر جشن‌ها از سال ۱۳۳۶ش در ذهن محمدرضا شاه پدید آمده بود و قطعاً تا سال ۱۳۵۰ش

^۶ Bois de Vincennes.

که سال برگزاری آن‌ها با جلال و شکوهی بی‌سابقه در تاریخ معاصر بود، پول سرسام‌آوری خرج شد و قراردادهای عجیب و غریبی با معماران، دکوراتورها، مبل‌سازها، جواهرسازها، بازسازی‌کنندگان و دیگران که بیشترشان فرانسوی بودند، بسته شده بود! (نراقی، ۱۳۸۱: ص ۶۰) پرداختن به همه وجوه هزینه‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، کاری بس دشوار است. در این‌جا به ذکر گوشه‌ای از این هزینه‌ها پرداخته می‌شود؛ شبکه میکرو ویو که میهمانان شاه را از خیمه‌های ملیله‌دوزی شده به قصرهای خود در کشورشان مربوط می‌کرد، هزینه‌ای حدود ۲۵۷ میلیون دلار دربرداشته‌است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۰/۸/۸: ص ۵۹) یک‌صدوسی میلیون ریال بابت دیوارکشی برگرداگرد خرابه‌ها و ساختمان‌های گلی و ویران‌شده شیراز هزینه شد. هزینه‌های مربوط به چادرهای سلطنتی، غذاهای تهیه‌شده از رستوران ماکسیم، ظروف سلطنتی، لباس‌های سلطنتی و حتی کارت دعوت سلطنتی، همه و همه گزاف بود. دولت ایران برای تزئین دو شهر تهران و شیراز، قراردادی به ارزش سیصدوشصت هزار لیره استرلینگ با شرکت ایروین^۷ انگلستان منعقد کرده بود. (روحانی، ۱۳۷۲: ص ۵۳۶-۵۴۲)

به طور کلی، منابع موجود، نظر یکسانی در باب میزان هزینه‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله ندارند. ویلیام شوکراس، هزینه جشن‌ها را چیزی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار ذکر می‌کند. (شوکراس، ۱۳۷۴: ص ۴۸) روزنامه فرانسوی «تریبون دوناسیون»، هزینه جشن‌ها را حدود ۶۰۰ میلیون دلار عنوان کرد و آن‌ها را شامل ساخت میهمانسرای در تخت‌جمشید، مخابرات و پخش جریان جشن‌ها به وسیله تلویزیون در دنیا، شهرک‌های چادری موقتی از پلاستیک، دوخت جامه‌ها و نیز دستگاه‌های امنیتی‌ای که نظارت آن بر سازمان‌های وابسته به «سیا» محول گردیده بود، ذکر کرد. (الموتی، ۱۳۷۰: ص ۱۴۰) غلامرضا نجاتی، هزینه‌ها را حدود ۲۰۰ میلیون دلار می‌داند. (نجاتی، ۱۳۷۱: ص ۳۴۹). منصور رفیع‌زاده نیز رقم هزینه‌ها را چیزی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرده است. (رفیع‌زاده، ۱۳۷۶: ص ۲۳۷)

اسدالله علم، همواره اذعان می‌داشت که عظمت این جشن‌ها آن قدر هست که اگر ملت فقیری هم بودیم و اگر این همه مقدرات نداشتیم، باز هم کاملاً بجا بود که فرش و لحاف و زندگی‌مان را بفروشیم و این جشن‌ها را برگزار کنیم! (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۲۷۴، کد پرونده: ۱۲۰۸۱-۶، ص ۱۶۹) در واقع، وی نیز به هزینه گزاف جشن‌ها باور داشت و

⁷. Irvine.

ازین‌رو، به سازمان‌های دولتی اعلام کرد که باید مخارج مربوط به جشن‌ها را از محل صرفه‌جویی سازمان خویش تهیه نمایند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۴۹/۵/۴: ص ۶۷؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۴۸/۹/۳۰: ص ۷۲ و ۷۳) علاوه بر این، هزینه گزاف جشن‌ها از یک سو، و مزیقه مالی دولت از سوی دیگر، چندین بار سبب به تعویق افتادن جشن‌ها شده بود. (مرکز اسناد مؤسسه تاریخ معاصر ایران، ۱۹-۴-۱۲۱ ش، ص ۱)

فرح پهلوی نیز هرچند در خلوت به دوستان خود می‌گفت که مخالف برگزاری جشن‌ها با این مخارج سنگین بود، اما در نشریات تصریح می‌کرد که از طریق برگزاری این جشن‌ها، «به بیان و نمایش رشد و عظمت ایران» پرداختیم و در واقع، این جشن‌ها «مجانی» تمام شد. (کسری، ۱۳۷۹: ص ۲۲۷)

اینک جای این پرسش است که وضعیت اقتصادی جامعه در آن زمان، چگونه بود؟ قبل از پرداختن به وضعیت اقتصادی جامعه باید دانست که طبق مستندات تاریخی، خانواده پهلوی در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش، ثروتمندترین خانواده سوداگر ایران بودند. (Martin, 2000: p.23) شراکت هریک از افراد این خانواده در کارخانه‌های ساخت ماشین‌آلات، مجتمع‌های اتومبیل‌سازی، تولیدات ساختمانی و ساختمان‌سازی، شرکت‌های معدنی و کارخانجات نساجی، امری بدیهی بود. بیشتر دارایی‌ها نیز توسط «بنیاد پهلوی» مدیریت و اداره می‌شد. این بنیاد، در سال ۱۳۳۷ ش تأسیس گردید تا به‌ظاهر، امور خیرخواهانه و بشردوستانه را سامان دهد. در اواخر دهه پنجاه، دارایی بنیاد بالغ بر ۲/۸ میلیارد دلار می‌شد که در زمینه‌هایی همچون: املاک، بازرگانی، بانکداری و ساخت اتومبیل سرمایه‌گذاری می‌نمود. (دادگر، ۱۳۸۲: ص ۱۶؛ هالیدی، ۱۳۵۸: ص ۶۵) در واقع، طبقه اشراف پهلوی کاملاً مستقر شده بودند، در شمال تهران باغ‌های بزرگ آنان با چمن‌کاری-های وسیع، زمین‌های تنیس، استخرهای سرد و گرم، سونا، سالن‌های بازی و فضاهایی برای میهمانی‌های هر شبه، از هر گوشه روییده بود و پیست‌های اسکی تازه‌ای برای فصل زمستان و فضاهای اسکی روی آب برای تابستان‌ها ساخته شده بود. (بهنود، ۱۳۶۶: ص ۵۵۸) این در حالی است که میزان درآمد سرانه مردم را در آن زمان، حدود ۳۵۰ دلار ذکر کرده‌اند. (روبین، ۱۳۶۳: ص ۱۱۰؛ رفیع‌زاده، ۱۳۷۶: ص ۲۳۸) شاید نتوان این آمار را به صورت قاطع تأیید نمود؛ ولی می‌توان با دقت در توصیف شیراز از زبان کاتوزیان، درک بیشتری از وجود اختلاف طبقاتی در آن برهه پیدا کرد.

کاتوزیان در کتاب خود به بازدید از شیراز در سال ۱۳۵۱ ش اشاره کرده، یکی از مناظری را

که دیده، توصیف می‌کند. وی شهری را که محل برگزاری جشن‌های سالانه هنر بود، سوای محله‌های متعدد فقیرنشین، دارای دو «حلبی‌آباد» بزرگ می‌داند که خانه‌های آن به طور کامل، از تکه‌های حلبی (بشکه‌های بزرگ و مستعمل نفت) ساخته شده بود؛ فضای تقریبی هر خانه، ۱۵ متر مکعب بود و یک خانواده هشت نفری در آن ساکن بودند. او تأکید می‌کند که هیچ نوع اساس خانه‌ای، در این آلونک دیده نمی‌شد و در هیچ کجای این ناحیه، حمام عمومی یا خصوصی و مستراح وجود نداشت. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ص ۳۲۲-۳۲۳)

هر چند در کتاب ایران: گذشته، حال و آینده به چند برابر شدن میزان تولید محصولات کشاورزی از قبیل: گندم، جو، برنج، کتان و تنباکو در سال ۱۳۴۹ش نسبت به سال ۱۳۱۹ش اشاره شده (W.Jacqz, 1976: p.130-140)، اما باید دانست که هنوز با معیارهای توسعه، فاصله زیادی وجود داشت. در سال ۱۳۵۶ش، بیشتر از نصف ملت ایران بی‌سواد بودند و تنها یک چهارم زمین‌های ایران، دارای آب زراعتی بود. تعداد کل پزشکان، در حدود ده هزار نفر و بیش از نیمی از این عده، در تهران به کار مشغول بودند. جاده‌های کشور وقتی به کویر یا به کوهستان‌ها می‌رسیدند، ناگهان پایان می‌یافتند. (لاینگ، ۱۳۷۱: ص ۳۱۵)

در واقع، می‌توان گفت که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، نمایانگر مغایرت و اختلاف عظیمی بود در ثروت ظاهراً نامحدودی که شاه برای خرج کردن در اختیار داشت و فقر اکثریت توده‌های مردمی که زیر سلطه حکومت او بودند. (Martin, 2000: p.24) تضاد میان آراستگی خیره‌کننده پرسپولیس و فقر دهکده‌های همجوار، چندان زننده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. (آر.کدی، ۱۳۶۹: ص ۲۷۲؛ روحانی، ۱۳۷۰: ص ۱۰۷) با وجود این، شاه در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۰ در کاخ سعدآباد به سوالات گوناگون خبرنگاران داخلی و خارجی در باره جشن‌ها پاسخ داد. خبرنگاری سوئدی، در باب هزینه جشن‌ها و شایعات ۲۰۰ میلیون دلار تا دو میلیارد دلاری هزینه‌ها از شاه پرسشی داشت. شاه در پاسخ به او تصریح کرد که هزینه جشن، بیش از دو میهمانی که برای میهمان‌های خود دادیم، نخواهد شد و اگر فکر می‌کنید که همین دو میهمانی، دو میلیارد دلار خرج داشته باشد، بنابراین باید به من بگویید که قیمت یک کیلو نان با یک کیلو گوشت چه قدر است؟ و در این صورت، آیا فکر نمی‌کنید که این پول را ما از کجا آورده‌ایم؟ (روزنامه کیهان، ش ۸۴۷۹: ص ۲۱؛ تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلی حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، [بی‌تا]: ص ۶۲۶۳)

گویا شاه از هزینه‌های خرید چادرهای سلطنتی، اغذیه و اشریه‌های واردشده، سیستم

مخالفت‌های داخلی با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ چرا و چگونه؟ ۱۵۵

مخابراتی ایجادشده در دهکده چادرها، هزینه‌های حمل و نقل وسایل از فرانسه به ایران، تدارکات و تجهیزات سیزده‌ساله جشن‌ها در سراسر ایران و جهان، قراردادهای سنگین در باب چراغانی شهرها، بافت قالیچه‌های یادبود، تهیه انواع سکه، مدال، بشقاب یادبود و... خبری نداشت!

گفتنی است که هزینه مربوط به ساخت راه‌ها، هتل‌ها، میدان شهید، استادیوم آرپامهر، تعمیر بناهای تاریخی و اقداماتی از این قبیل را نیز باید به هزینه‌های فوق بیفزاییم.

نتیجه

در باب برگزاری جشن‌ها، می‌توان این گونه گفت که اصولاً حکومت پهلوی، با وجود تمام تبلیغات خود، در تحریک حس ناسیونالیستی مردم ناکام و عاجز ماند و نتوانست از طریق برگزاری این جشن‌ها، بر میزان مشروعیت خویش بیفزاید. روحانیون و در رأس آن‌ها امام خمینی تق، دانشجویان و در رأس آن‌ها دانشجویان دانشگاه تهران، گروه‌های چریکی و عده‌ای از مردم مبارز، از جمله گروه‌هایی بودند که به صورت علنی با جشن‌ها به مخالفت پرداختند. البته عده بسیاری از مردم نیز در عین مخالف بودن با برگزاری جشن‌ها، از روی ترس و عواقبی همچون شکنجه و حبس، جرئت بروز مخالفت را در خود نمی‌دیدند. به هر حال عمده علل مخالفت این گروه‌ها با برگزاری جشن‌ها را می‌توان در قالب چهار مورد خلاصه کرد:

علت اول را می‌توان اسلام‌زدایی جشن‌ها دانست که از علل اصلی مخالفت روحانیون مذهبی با جشن‌ها بود.

علت دوم را باید وجود حُفَقان سیاسی و نبود آزادی‌های دموکراتیک در نظام شاهنشاهی ذکر کرد. این در حالی بود که شاه در نطق‌های خود - حین برگزاری جشن‌ها - همواره به آزادمنشی کوروش کبیر اشاره می‌کرد و خود را تداوم‌دهنده راه او برمی‌شمرد. دانشجویان و روشنفکران و گروه‌های چریکی و حتی قشر روحانیت، این قبیل تناقض‌ها را بر نمی‌تابیدند و همواره به مسئله عدم وجود آزادی‌های مدنی در ایران اشاره می‌کردند. زندانی‌های سیاسی که در راستای برگزاری جشن‌ها رخ می‌داد، به حقانیت گفته‌های آنان مُهر تأیید می‌زد.

علت سوم مخالفت‌ها را باید به مسئله خارجی بودن تدارکات این جشن‌ها مربوط دانست. دانشجویان و مردمی که از جشن‌ها دور مانده بودند، از خود می‌پرسیدند که چرا تمام تدارکات جشن‌ها از غذا و اشربه و مکان اسکان و تجملات گوناگون آن را خارجی‌ها و به‌ویژه فرانسوی‌ها تهیه کرده‌اند؟ چرا جشن‌های پارس را پاریس می‌باید به انجام رساند؟ مگر همواره آشپزهای ایرانی و اشربه‌های ایرانی (خُلْد شیراز)، از بهترین‌ها در جهان نبوده‌اند؟

علت چهارم مخالفت با جشن‌ها را مقایسه وضعیت نامطلوب مردم و جامعه ایران از لحاظ اقتصادی با هزینه‌های بسیار گزاف جشن‌ها آشکار می‌کند. هزینه‌هایی که میلیون‌ها دلار برآورد شده است، هیچ تناسبی با وضعیت بد اقتصادی جامعه نداشت و گروه‌های مخالف، این نکته را نیز بر نمی‌تابیدند.

منابع

الف. کتاب‌ها

- آر. کدی، نیکی (۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۰)، ایران در عصر پهلوی، ج ۱۰، لندن: چاپ پکا.
- اینووه، ماسایوکی (۱۳۸۳)، ایران و من (خاطرات و یادداشت‌های نه ایجی اینووه)، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- بزم اهریمن، ج ۴ و ۱، (۱۳۷۷/۱۳۷۸)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- بهنود، مسعود (۱۳۶۶)، دولت‌های ایران از سید ضیاء تا بختیار، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، عقاب و شیر، ج ۱، ترجمه: مهنوش غلامی، تهران: نشر کوبه.
- تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلی حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، [بی‌تا]، جلد هفتم، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- پاکروان، سعیده (۱۳۷۸)، توقیف هویدا، ترجمه: نیما همایون‌فر، تهران: کتاب روز.
- خسروی، فریبرز (۱۳۷۸)، سانسور: تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
- دولت‌شاه فیروز، مهین (۱۹۹۰)، زندگی شاهزاده مظفر فیروز میرزا، پاریس: [بی‌نا].
- رفیع‌زاده، منصور (۱۳۷۶)، خاطرات منصور رفیع‌زاده (ترجمه کتاب شاهد)، ترجمه: اصغر گرشاسبی، تهران: اهل قلم.
- روبین، باری (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه: محمود مشرقی، [بی‌جا]: انتشارات آشتیانی.
- روحانی، سید حمید (۱۳۷۲)، نهضت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ج ۳، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، فخر (۱۳۷۰)، اهرم‌های سقوط شاه، ج ۱، تهران: نشر بلیغ.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، شکست شاهانه؛ روان‌شناسی شخصیت شاه، ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۲)، معماران تمدن بزرگ، [بی‌جا]: نشر روایت.

شوکراس، ویلیام (۱۳۷۴)، آخرین سفر شاه، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.

صمیمی، مینو (بی‌تا)، پشت پرده تخت طاووس، حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات اطلاعات. علوی، محمدصادق (۱۳۷۹)، بررسی مشی چریکی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فراتی، عبدالوهاب (بی‌تا)، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فون بلوشر، ویپرت (۱۳۶۳)، سفرنامه بلوشر، کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، مترجمان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

کسری، نیلوفر (۱۳۷۹)، زنان ذی نفوذ در خاندان پهلوی، تهران: نشر نامک. کوثر (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی) (۱۳۷۱)، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تث.

لاینگ، مارگارت (۱۳۷۱)، مصاحبه با شاه، اردشیر روشنگر، تهران: نشر البرز. ماکوئی، سوپیل (۱۳۷۹)، صورتک (گذری بر جشن‌های دوهزاروپانصدساله شاهنشاهی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، ج ۱، تهران: خدمات فرهنگی رسا. نراقی، احسان (۱۳۸۱)، از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه: سعید آذری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

واکر، مارتین (۱۳۷۲)، قدرت‌های جهان مطبوعات، ترجمه: م. قائد، تهران: نشر مرکز. هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه: فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.

هویدا، فریدون (۱۳۶۵)، سقوط شاه، ترجمه: ح. ا. مهران، تهران: انتشارات اطلاعات. Kamrava Mehran, (1990), Revolution In Iran The Roots of Turmoil, London And New York, by Routledge.

Martin Vanessa, (2000), Creating An Islamic, Khomeini and

the Making of a New Iran, London. New York, I.B.Tauris & Coltd Publishers.

W.Jacqz Jane, (1976), Iran: Past, Present and Future, New York, by Aspen Institute For Humanistic Studies.

ج. نشریه‌ها

- روزنامه آیندگان، ۱۷ مهر ۱۳۵۰، شماره ۱۱۵۱.
 روزنامه اطلاعات، ۲۱ مهر ۱۳۵۰، شماره ۱۳۶۲۱.
 روزنامه تاریخ شاهنشاهی ایران، شماره ۲۳۵.
 روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، ۶ مهر ۱۳۵۰، شماره ۵۷.
 روزنامه کیهان، ۱۷ و ۲۷ مهر ۱۳۵۰، شماره ۸۴۷۰ و ۸۴۷۹.
 روزنامه ندای ایران نوین، ۲۷ خرداد ۱۳۵۰، شماره ۱۶۰۸.
 مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ویژه، مهرماه ۱۳۵۰.
 مجله خواندنی‌ها، ۳ مهر ۱۳۵۰، سال سی‌ودوم، شماره ۳.

د. سندهای بایگانی‌شده

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۰، کد پرونده: ۲-۱۲۰۸۱، ۱۳۴۸/۹/۳۰.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۶۷۰، کد پرونده: ۱-۲۱۱۷۶، ۱۳۵۰/۸/۸.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۱، کد پرونده: ۳-۱۲۰۸۱، ۱۳۴۹/۵/۴.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۴، کد پرونده: ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۲/۲۰.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۴، کد پرونده: ۶-۱۲۰۸۱.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۸۵، کد پرونده: ۱۷-۱۲۰۸۱.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۴۸۱۹، کد پرونده: ۱-۴۸۱۹، ۱۳۵۰/۶/۲۳.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۱، کد پرونده: ۳-۱۲۰۸۱.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۴، کد پرونده: ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۳/۱۶.
 مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی: ۲۷۴، کد پرونده: ۶-۱۲۰۸۱، ۱۳۵۰/۳/۱.
 مرکز اسناد مؤسسه تاریخ معاصر ایران، ۴-۱۹-۱۲۱ ش، ۱۳۴۰/۱۰/۱۹.
 مرکز اسناد ملی، برگزاری جشن‌های شاهنشاهی در فارس، ش بازیابی: ۱۲/۱/۲۰۰۴۲، ش

دستیابی: مرکز اسناد تهران ۲۹۳/۱۸۲۲۴، س ۱۳۵۰، ۱۶۸ برگ.

ه. مقاله‌ها

دادگر، حسن (۱۳۸۲)، «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمانه)، سال دوم، شماره ۹.

درکتانیان، غلامرضا (۱۳۸۷)، «روایت روحانی مبارز دزفولی، عبدالحسین سبحانی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال ششم، شماره ۲۳.

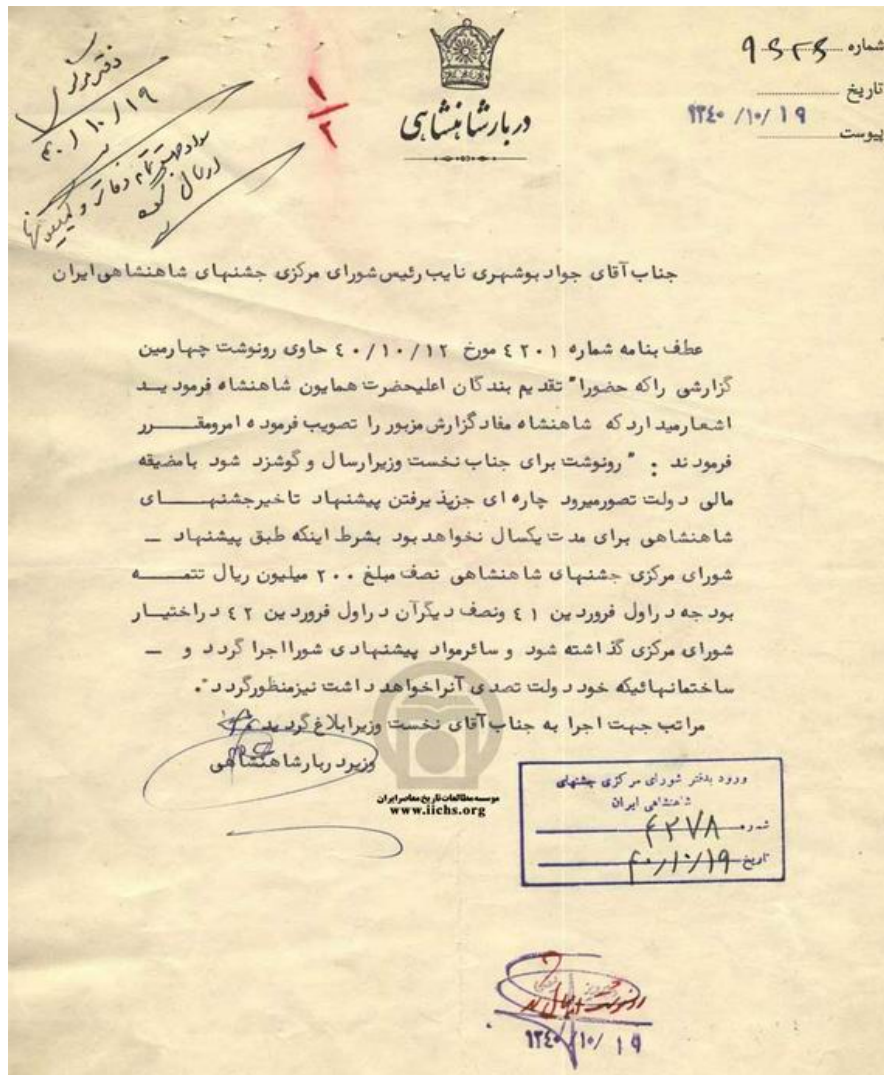
شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و جنبش دانشجویی»، مجله معرفت، سال چهاردهم، شماره ۱۱.

فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، «رهبران مذهبی و مدرنیزاسیون در ایران در دوره پهلوی دوم»، فصلنامه متین، سال دوم، شماره ۹.

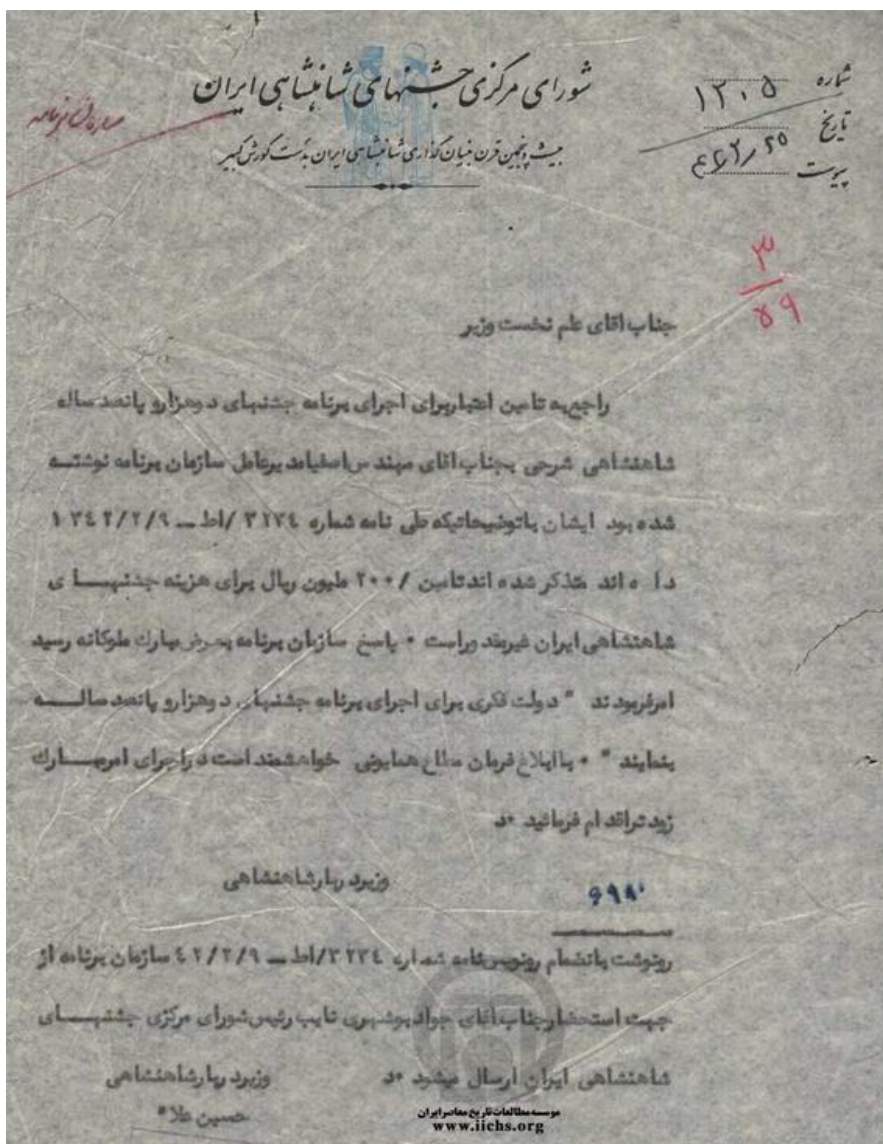
www.wandea.org, Hamid Algar, "A Brief Biography of Imam Khomeini".

www.thetrumpet.com, Brad Macdonald, (2011), "The History Iran Forgot".

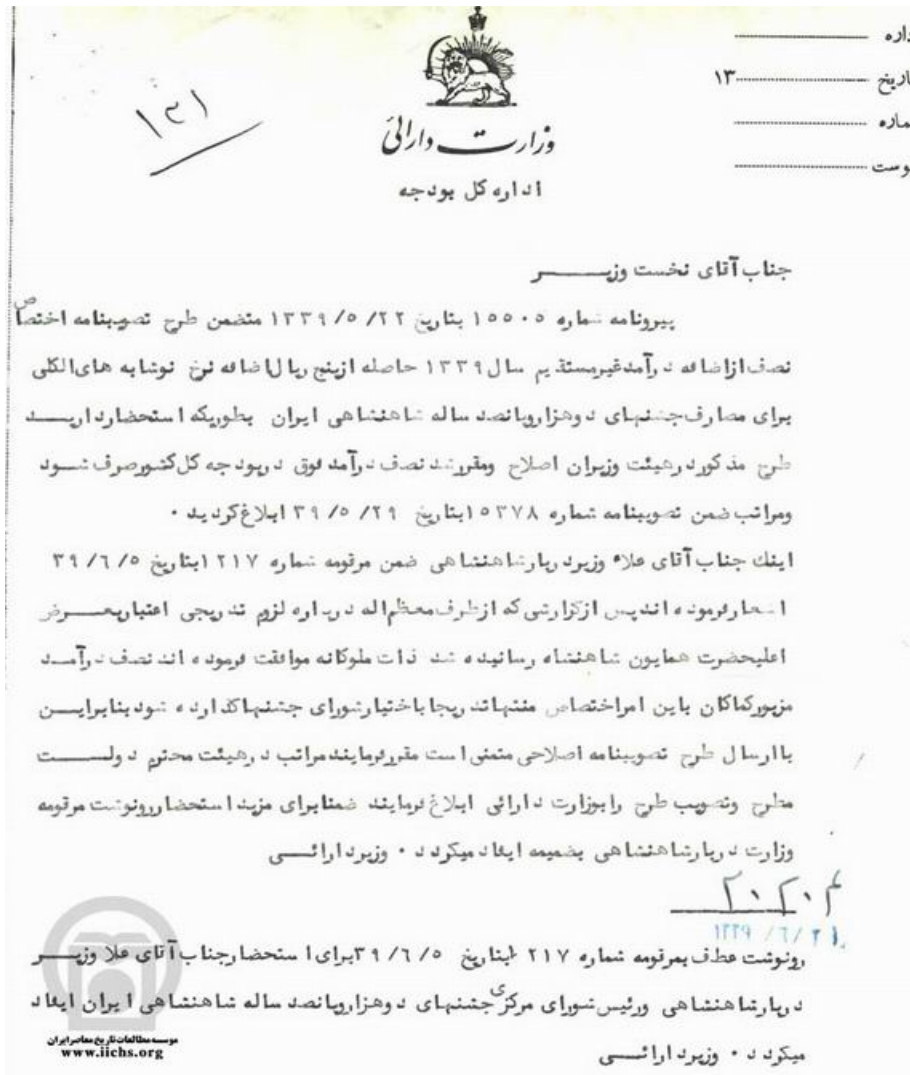
پیوست‌ها:



نامه وزارت دربار به جواد بوشهری، نایب رئیس شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی ایران، مبنی بر به تعویق انداختن جشن‌های شاهنشاهی به دلیل مضیقه مالی دولت [۴-۱۹-۱۳۴۱ش].



نامه حسین علاء، وزیر دربار به اسدالله علم، مبنی بر درخواست اتخاذ تصمیماتی در جهت تأمین اعتبار جشنهای شاهنشاهی [۲-۱۹-۱۲۱ ش].



رونوشت نامه وزارت دارایی به نخست‌وزیر، در باره طرح تصویب‌نامه تخصیص نیمی از درآمد غیرمستقیم سال ۱۳۳۹ ش از نرخ نوشابه‌های الکلی به بودجه شاهنشاهی در هیئت دولت جهت تصویب و اجرا [۱-۱۹-۱۲۱ ش].